

امام حسن مجتبیٰ علیہ السلام

جان بنی سیامبر
صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم

مؤلف : احمد حسانی ہمدانی

مترجم : حسین اسدولی



امام حسن مجتبیٰ علیہ السلام جان دل پیامبر ﷺ

ترجمہ: حسین استاد ولی

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۲

حروفچینی: شبیر / ۷۷۵۲۱۸۳۶

چاپ : زنبق

وبسایت: <http://www.monir.com>

دیگر مراکز پخش: تبریز (صحیفه) ۴۱۱-۵۵۵۱۸۴۸ • اهواز (رشد) ۶۱۱-۲۲۱۷۰۰۱ • مشهد ۵۱۱-۲۲۵۷۲۵۷ • شیراز (شاهچراغ) ۷۱۱-۲۲۲۱۹۱۶ • اصفهان (مهر قانم) ۳۱۱-۲۲۲۱۹۹۵ • دزفول (معراج) ۶۴۱-۲۲۶۱۸۲۱

قیمت: ۵۵۰۰۰۰ ریال

امام مجتبیٰ (علیه السلام) :

هر که به جدّ خود نازد، جدّ من رسول خداست.

و هر که به مادر خود نازد، مادر من زهرای بتول است.

و هر که به زائران خود نازد، زائر ما جبرئیل است.

(مناقب ابن شهر آشوب ۹ / ۴)

امام باقر (علیه السلام) :

امام حسین (علیه السلام) به احترام برادرش امام مجتبیٰ (علیه السلام)

هیچ‌گاه در حضور آن حضرت به سخن نپرداخت و اظهار نظر نکرد.

(مناقب ابن شهر آشوب ۴۰۱ / ۳)

إِذَا مَا قِيلَ جَدُّكُمْ الرَّسُولُ	إِلَيْكُمْ كُلُّ مَكْرَمَةٍ تَوُولُ
إِذَا مَا قِيلَ أُمُّكُمْ الْبَتُولُ	كُنَّاكُمْ مِنْ مَدِيحِ النَّاسِ طَرَا
وَمِنْكُمْ دُو الْأَمَانَةِ جِبْرِئِيلُ	وَأَنْتُمْ لَأَلِ اللَّهِ حَقًّا

همه بزرگوارى ما به شما باز مى گردد آن گاه که گویند جدّ شما رسول خداست.

و از ستایش های مردم در حق شما همین بس که گویند مادرتان فاطمه بتول است.

حقّاً که شما «آل الله» اید، و فرشته امین جبرئیل از گروه شماست.

(مناقب ابن شهر آشوب ۹/۴، به نقل از امالی حاکم نیشابورى)

فِيءُ عَيْنِ الْمَرْتَضَى	مُهَجَّةُ قَلْبِ الْمُصْطَفَى
يَا مَنْ بِهِ قَامَ الْعُلَى	أَنْتَ الْإِمَامُ الْمُتَمَتَّنُ
زَهْرًا سَيِّدَةَ النَّسَا	يَا بِنْتَ الْبَتُولِ فَاطِمَ
بِعِزَّةِ خَيْرِ الْأَمْوَرِ	أَنَا الْعَبْدُ بِبَابِكُمْ

ای جان دل مصطفی ﷺ، ای نور دیده مرتضی علیه السلام

تو امام آزمون داده ای، ای که صفات والا به وجود تو برپاست

ای فرزند فاطمه بتول، زهرا سرور بانوان جهان

من بنده خانه زاد شمایم، سوگند به عزّت بهترین آفریدگان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطيبين الطاهرين
و اللعن على أعدائهم اجمعين من الآن الى يوم الدين

آشنایی با مقامات، فضایل و مناقب امامان معصوم علیهم‌السلام به دو جهت
ضرورت دارد. یکی به جهت دستیابی به معارف اصیل الهی و اسلامی، و دیگر
به جهت نیاز انسان به داشتن الگوی عملی و مجسم برای حرکت در مسیر
هدایت.

در این بازار آشفته معارف و دانستنی‌هایی که در جهان امروز به بشریت
عرضه می‌شود اعم از عرفان‌های کاذب و ساختگی و اخلاق‌های فاسد فردی و
اجتماعی و دستورات عملی ظالمانه و منفعت‌گرایانه، آن‌چه ما را به
سرچشمه اصلی دین راستین می‌رساند و با حقایق ناب اسلامی آشنا
می‌سازد، طبق آیات قرآن کریم و بیانات صریح پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم
فراگیری علوم دینی از طریق خاندان رسالت و اهل بیت عصمت و
طهارت علیهم‌السلام است و بس، و علوم دیگری که تعلیم و تعلم آنها لازم می‌نماید
تنها به خاطر فهم بهتر علوم اهل بیت علیهم‌السلام و در خدمت آن است. پیامبر
اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم در حدیث ثقلین فرموده است:

به خاندان من چیزی نیاموزید، که آنان از شما دانان‌ترند.^۱

بدین منظور، باید روایاتی را که در معرفی مقام شامخ اهل بیت علیهم‌السلام صادر
شده هر چه بیشتر و بهتر گرد آورد و با بیان شیوا و قابل درک به مخاطبان

عرضه نمود، زیرا تا شناخت به مقامات آن بزرگواران حاصل نگردد آموزش و پیروی از آنان صورت نیندد. چرا که عشق و محبت و به دنبال آن پیروی و تبعیت در سایه علم و معرفت ظهور می‌یابد.

جهت دیگری که ما را به شناخت بیشتر این خاندان بزرگ وامی‌دارد، داشتن الگوی عملی و مجسم است. بی‌تردید، آن اندازه که خواندن شرح حال افراد موفق و بزرگان دین و دانش‌انگیزه رشد و حرکت در انسان ایجاد می‌کند، خواندن و شنیدن صرف علوم و دستورات سلوکی ایجاد نمی‌کند و به همین دلیل است که انسان‌ها عموماً به خواندن کتاب‌های خاطرات و شرح احوال بزرگان رغبت بیشتری نشان می‌دهند. و روی همین حساب، آگاهی از احوالات معصومین (علیهم‌السلام) ضرورت می‌یابد، زیرا که آنان بزرگ‌ترین مردان تاریخ، موفق‌ترین انسان‌های روزگار، ارجمندترین آموزگاران بشر، عرضه‌کننده بهترین آیین و حافظ اصیل‌ترین قوانین برای زندگی بشر در دنیا و سعادت ابدی در آخرت‌اند. کسانی که والاترین فضایل انسانی را دارا بوده‌اند و در راه ارائه، تبلیغ و حفظ آنها تا سرحد جان کوشیده و نفس نفیس خویش را نثار کرده‌اند و به همین مناسبت می‌توانند بهترین الگوی علمی و عملی قرار گیرند.

امام مجتبیٰ (علیه السلام) دومین جانشین منصوب و منصوص رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و دومین پیشوای مسلمین جهان بلکه پیشوای همه آزادگانی است که از قید تعصب‌های جاهلی رهیده و دلبسته حق و حقیقت‌اند. فضایل و مناقبی که در قرآن کریم و در بیانات پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و امیرمؤمنان (علیه السلام) برای آن بزرگوار آمده، هر یک به تنهایی کافی است که ما را به مقام شامخ او رهنما باشد و نیز زندگانی پر فراز و نشیب آن امام همام می‌تواند به عنوان بهترین الگو برای یک زندگی الهی - انسانی و رهنمایی والا برای رشد و تعالی دنیا و آخرت معرفی شود.

گرچه به عقیده شیعه، امامان (علیهم‌السلام) در همه فضایل برابرند^۱ و همه کمالات هر امامی به امام بعد منتقل می‌شود و حتی علوم جدیدی که برای امام پیدا می‌شود به امام در گذشته نیز واصل می‌گردد^۲، ولی هر یک از امامان به تناسب شرایط زمان در یک یا چند فضیلت برجستگی خاصی دارند. طبق همین اصل، صفاتی چون حلم و حماسه و عقل و سخاوت در امام مجتبیٰ (علیه السلام) تجلی

۱- اصول الکافی، ج ۲، باب ۵۸، ص ۲۶۱ و ۲۶۲، ترجمه حسین استادولی.

۲- اصول الکافی، ج ۲، باب ۴۳، ص ۲۱۳، ترجمه حسین استادولی.

خاصی پیدا کرده است.

رسول خدا ﷺ درباره امام مجتبیٰ علیه السلام فرموده است:

اگر عقل تجسم می‌یافت به صورت حسن آشکار می‌شد.^۱

و امام باقر علیه السلام درباره تدبیر آن حضرت فرموده است:

آن چه حسن بن علی علیه السلام در برابر معاویه به کار برد، برای مردم

بهتر بود از آن چه خورشید بر آن می‌تابد.^۲

حلم او به پایه‌ای بود که با کوه‌ها برابری می‌کرد و جود و بخشش و سخاوت

او دریا را به انفعال و شرمساری وامی‌داشت. دیگر فضایل آن حضرت نیز هر

یک جای خود دارد.

کتاب حاضر

اما کتاب حاضر در صدد بیان همه آن چیزهایی است که گفته آمد و یا به

جهت رعایت اختصار ناگفته ماند. مؤلف گرامی کتاب، محقق و متتبع بزرگ

اسلامی مرحوم حاج شیخ احمد رحمانی همدانی - رضوان الله تعالی علیه - که

دلباخته اهل بیت رسالت ﷺ بود و عمر گرانبهای خود را در جستجو و

گردآوری و نقل فضایل و مناقب آن بزرگواران سپری ساخته و از این رهگذر

توفیقات بسیاری به دست آورده بود، حاصل عمرش را علاوه بر

سخنرانی‌های گرم و محققانه خویش، در سه جلد کتاب به نام‌های:

الامام علی بن ابی طالب علیه السلام من حبه عنوان الصحیفة، فاطمة الزهراء علیه السلام

بهجة قلب المصطفیٰ علیه السلام، و الامام المجتبیٰ علیه السلام منحه قلب

المصطفیٰ علیه السلام عرضه کرد که اولی به نام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام

به قلم همین مترجم، و دومی در دو عنوان به نام‌های فاطمة زهرا علیه السلام

شادمانی دل پیامبر ﷺ که توسط دانشمند گرامی حجة الاسلام و

المسلمین دکتر سید حسن افتخارزاده و فاطمة زهرا علیه السلام سرور دل

پیامبر ﷺ که توسط محقق ارجمند حجة الاسلام و المسلمین جناب آقای

مهدی جعفری ترجمه گردیده است و سومی که همین کتاب است با عنوان

امام مجتبیٰ علیه السلام جان دل پیامبر ﷺ در اختیار علاقمندان قرار دارد.

مرحوم مؤلف در این کتاب با تتبع کم‌نظیر خود آن چه درباره شخصیت،

۱. فراند السمطین ۲/ ۶۸.

۲. بحار الانوار ۴۴/ ۲۵.

فضایل و مناقب، اخلاق و منش، سیر زندگی، گفتارها و روایت‌ها و بالاخره سایر امور فردی و اجتماعی و سیاسی آن حضرت که شایسته نقل و تحلیل بوده، همه را گرد آورده است به گونه‌ای که خواننده را از سایر کتاب‌های مربوطه بی‌نیاز می‌سازد. جالب آن‌که در تحلیل مسائل، علاوه بر نقل روایات مقبول، گفتار کسانی را شاهد آورده است که هر یک از اساطین علم و بزرگان دین و رهبران فکری و سیاسی عالم اسلام به شمار می‌روند.

در این کتاب پس از مقدمه مؤلف علیه السلام با ذکر چند حدیث ناب از هر یک از معصومان علیهم السلام درباره امام مجتبی علیه السلام شروع شده و سپس مطالب اصلی کتاب در دو بخش کلی: ۱) فضایل و مناقب امام مجتبی علیه السلام، ۲) مسائل شخصی آن حضرت، و هر دو بخش مجموعاً در ده باب و هر باب در چند فصل سامان یافته است.

باب اول در ۲ فصل به ذکر فضایل و مناقب امام مجتبی علیه السلام می‌پردازد. در این باب آیاتی که مستقیماً درباره اهل بیت علیهم السلام - که امام مجتبی علیه السلام یکی از آنان است - نازل شده یا به آن بزرگواران تأویل گردیده، آورده شده و سپس از فضایل ویژه آن حضرت و فضایل مشترک او با سایر اهل بیت علیهم السلام سخن به میان آمده و در نهایت، این باب به سخنانی از بزرگان و نویسندگان صاحب‌نظر، در عظمت مقام و موقعیت آن حضرت، آراسته گردیده است.

باب دوم به نقل و بررسی روایاتی که درباره خلفای دوازده گانه رسیده اختصاص یافته است. مرحوم مؤلف در این باب به نقد تأویلات و توجیهات اهل سنت در تطبیق این روایات با خلفای بنی‌امیه و بنی‌عباس که غرق در نافرمانی خدا و ستم به بندگان او بوده‌اند پرداخته و ضمن پاسخگویی به آنها، مصداق واقعی این روایات را که امامان دوازده گانه معصوم علیهم‌السلام‌اند مشخص نموده است.

باب سوم در ۱۶ فصل به بیان ویژگی‌های اخلاقی و فضایل انسانی امام مجتبی علیه السلام پرداخته و در این باب از علم و قضاوت، وقار و هیبت، جود و سخاوت، جوانمردی و شجاعت، قوت استدلال و حجت، فصاحت و بلاغت، فراست و عبادت، زهد و تواضع و حلم و گذشت و سیاست، و استجابت دعای آن حضرت سخن به میان آمده و بالاخره پاره‌ای از دعا‌های ایشان که شایسته است دستورالعمل سلوکی برای اهل دل قرار گیرد مذکور گردیده است.

باب چهارم در ۴ فصل، تاریخ کوتاهی از نقش اجتماعی و سیاسی امام مجتبی علیه السلام در دوران رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و خلفای ثلاثه و سپس در دوران

امیرمؤمنان علی علیه السلام را به نمایش گذارده و نکات جالب و تازه‌ای که دانستن آنها برای هر فرد شیعه لازم است از جمله، اثبات عدم شرکت هیچ یک از اهل بیت در جنگ‌ها و فتوحات اسلامی را بیان داشته است.

باب پنجم در ۱۰ فصل به مهم‌ترین رویداد زندگانی آن حضرت یعنی مسأله صلح با معاویه پرداخته است. برجستگی این رویداد از آن روست که امام علیه السلام دست معاویه را خواند و با پذیرش این صلح تحمیلی، بنی امیه را خلع سلاح کرد و برای همه انسان‌های آزاده و حقیقت‌جوی جهان - غیر از مثنی متعصب کور - ثابت کرد که بنی امیه و در رأس آنان معاویه، هرگز پایبند دین نبودند و دین را تنها بر علیه دین به کار می‌گرفتند و جز قدرت‌طلبی چیزی در مختله آنان نمی‌گنجد و در راه رسیدن به آن از هیچ جنایتی دریغ نمی‌کردند.

این باب مفصل‌ترین بخش این کتاب است. شاید بتوان گفت سخن قابل ذکری در این باره نبوده مگر آن که در این باب، آورده شده است و کسی که با دقت به مطالعه این باب بپردازد کم‌ترین شبهه‌ای در این مسأله برایش باقی نخواهد ماند. و در پایان باب، به نقد یک حدیث ساختگی درباره اسلام معاویه پرداخته شده است.

باب ششم در ۳ فصل، سخنان آن حضرت را در زمینه‌های گوناگون علمی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، فقهی، تربیتی و همچنین روایاتی را که آن حضرت از جد و پدر بزرگوار خویش نقل فرمود، تحت عنوان مسانید امام مجتبی علیه السلام و سپس پاره‌ای از اشعاری که از خود آن حضرت بوده و یا ایشان به آنها تمثل جسته است، در بر دارد.

باب هفتم تا نهم به مسائل شخصی و شناخت ظاهری امام مجتبی علیه السلام پرداخته است، مسائلی از قبیل میلاد، نامگذاری، حسب و نسب، شمایل و مسائل شهادت آن حضرت هم‌چون خبر از شهادت آن بزرگوار، تاریخ و علت شهادت، نام قاتل و اسباب قتل، شادمانی معاویه از شهادت آن حضرت، وصایای ایشان و بالاخره تجهیز و تشییع و دفن و ماجراهای سیاسی و نظامی آن و بیان مظلومیت آن امام همام و زیارت آن حضرت.

باب دهم به ذکر یاران و زنان و فرزندان و شرح حال برخی از فرزندان ایشان پرداخته و با پایان آن، پرونده این کتاب پربار بسته شده است. جالب آن که در این باب به دفع تهمت بی‌اساس از دواج‌های مکرر امام علیه السلام که چهره‌ای نامناسب با شأن آن بزرگوار نشان داده است، پرداخته شده و با تحقیقی همه

جانبه این اتهام ناروا زده شده است.

از جمله ویژگی‌های این کتاب مطالب استطرادی آن است که در عین مفید بودن بلکه لازم بودن آنها، جای طرحش در این کتاب نبوده است. علت این کار آن است که مرحوم مؤلف طبق اظهارات مکرر خود، عمر خویش را پایان یافته و اجل خویش را نزدیک می‌دید، از این رو مطالبی را که به نظرش جالب رسیده و گفتن آنها را لازم می‌شمرد و جایی برای بازگویی آنها پیدا نمی‌کرد، به اندک مناسبتی در این کتاب آورده است که در این جا گوشزد می‌کنیم:

در باب اول فصل (۱) به مناسبت آیه امامت (سوره بقره، ۱۲۴) بحث مفصلی در باب عصمت آورده است. در فصل (۲) به مناسبت لفظ اهل بیت و عترت، بحث مفصلی درباره حدیث ثقلین مطرح کرده است، و نیز کل باب دوم را به بحث درباره روایاتی که درباره خلفای دوازده گانه رسیده و تطبیق آنها با امامان معصوم علیهم السلام و نقد نظریه اهل سنت منعقد نموده است، در حالی که آن چه در این سه بخش آمده همه مربوط به مسائل کلی امامت است نه مسائل امامت خاصه امام مجتبی علیه السلام.

هم چنین در باب سوم فصل (۱) به مناسبت استشهادات آن حضرت به برخی از آیات قرآن کریم، استشاداتی از سایر امامان علیهم السلام ذکر نموده که مربوط به موضوع کتاب حاضر نیست. و سرانجام در باب نهم فصل (۲) به مناسبت زیارت آن حضرت، بحث همه جانبه‌ای در باب آداب زیارت به طور مطلق و نقد آراء پاره‌ای از متعصبان اهل سنت در عدم جواز زیارت آورده است. بی تردید همه این مباحث در عین استطرادی بودن، مباحثی بسیار مهم در راستای بیان عقاید شیعه به شمار می‌رود و طرح جامع آنها در جای خود از ضروریات مسائل کلامی است.

آن چه گفتیم تنها وصفی ناچیز از این کتاب است که آدمی را بر سرشوق مطالعه آن می‌آورد، و باید گفت:

اگر این است تأثیر شنیدن شنیدن کی بود مانند دیدن

امید آن که همه مسلمانان به ویژه شیعیان و شیفتگان پاک نهاد آن امام همام که قلبشان از مظلومیت آن بزرگوار جریحه دار است به مطالعه این کتاب بپردازند و چشم و دلشان را با دیدن انبوه این فضایل و مناقب روشن سازند و از آموزش‌های ژرف، شیوا و رسای آن درس زندگی آموزند.

باری، نظر به اهمیت موضوع و اصالت این کتاب و نیز به دلیل وجود

متقاضیان بسیاری که خواهان ترجمه آن بودند، بر آن شدید تا علاوه بر نشر متن آن، ترجمه این اثر مبارک را نیز در دستور کار خود قرار دهیم. به همین منظور از دانشمند گرامی و فاضل ارجمند جناب آقای حسین استاد ولی - که متن عربی این کتاب توسط ایشان تنظیم و تبویب و تصحیح و ویرایش شده و مرحوم مؤلف اطمینان بالایی به تبحر و اصالت کار ایشان داشت - درخواست گردید که به ترجمه فارسی آن اقدام نماید و این کتاب را نیز مانند ترجمه امام علی علیه السلام که به علم زیبا و روان خودشان انجام شده است، ترجمه نماید. ایشان نیز این رحمت را با آغوش باز پذیرفت و در نهایت همکاری و همدلی، این ترجمه نفیس را به پایان رساند.

ناشر این اثر مفتخر است که این اثر گرانبهادر را در قالبی زیبا و چشم‌نواز در اختیار خوانندگان عزیز قرار دهد و بدین وسیله خود را در صف خریداران یوسف زهرا علیها السلام درآورد و گونه چشمی هم از آن عزیز به سوی او مایل شود. در پایان، ضمن سپاس و بسایش به درگاه خداوند متعال که توفیق نشر این کتاب ارزشمند را عطا فرمود، از بارگاه مقدس او مسألت دارم که ثواب آن را به روح والدینم - مرحوم آیه الله مستد محمد علی بسط رضوان الله تعالی علیه و حاجیه خانم مرضیه مسجدجامعی رحمه الله علیها - که دغدغه‌ای جز ترویج مکتب اهل بیت علیهم السلام در ذهن و عمل نداشتند و در این راه از هیچ کوششی فرو نمی‌گذاشتند، برساند و آن دو بزرگوار را در جوار رحمت خود با محمد و آل محمد علیهم السلام محشور بدارد.

هم‌چنین رحمت و غفران بی‌پایانش را برای مؤلف گرانبهادر کتاب مرحوم حاج شیخ احمد رحمانی همدانی رحمته الله طلب می‌نمایم.

سید محمد بسط

نیمه شعبان ۱۴۳۴

۱۳۹۲/۴/۳

مقدمه مؤلف

بسم الله الرحمن الرحيم

سپاس و ستایش خدا را بر نعمت‌های بزرگ و بخشش‌های سرگش، خدایی که سرلوحه کارنامه دوستانش را محبت خویشان نزدیک پیامبر، همان خاندان پاک او قرار داد، آنان که درفش‌های تقوا و پاکی و چراغ‌های ظلمت و تاریکی و خورشیدهای روز روشن‌اند، آنان که خداوند هرگونه ناپاکی را از آنان زدوده، و هرگونه اودگی را از دامنشان پیراسته. درود خدا به عدد شن‌های صحرا و سنگریزه‌های بیابان بر آنان باد؛ به ویژه بر زاده بزرگ پیامبر، امام مجتبی، که زمین پهناور و آسمان‌های بلند به نام او برپاست، همو که نور دیده زهرا، ولیعهد مرتضی، چهارمین شخصیت آل عبا و جان دل مصطفی صلی الله علیه و آله است^۱ در نظر داشتیم تا اگر سرنوشت یاری کند کتابی درباره زندگانی امام مجتبی علیه السلام به نگارش درآورم که پرده از روی تهمت‌های خائنان و افسانه‌های دروغ‌باغان که درباره سرور جوانان بهشتی و جان دل پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله ساخته شده و متأسفانه کتاب‌های تاریخی و حدیثی را پُر کرده است بردارم، دروغ‌ها و افسانه‌هایی که آن حضرت را مظلوم‌ترین مظلومان عالم در طول تاریخ گذشته حتی از جانب شیعیان و دوستانش ساخته، تا جایی که خودی‌ها او را به خاطر صلح افتخارآمیزش سرزنش کردند و با سخنانی تلخ‌تر از زهر و برنده‌تر از شمشیر با حضرتش روبه‌رو شدند. و هم‌چنین در آن کتاب، دروغ شایعه‌سازان را درباره ازدواج‌های

۱- از پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله روایت است که به امام مجتبی علیه السلام فرمود: تو محبوب من و جان دل منی.

آن حضرت برملا سازم، شایعاتی که با ساختن آنها، آن امام مظلوم را از مقام بالا و شأن والایش به زیر آوردند. و همه این شایعات از آن جا سرچشمه گرفت که دست‌های خائن حکومت‌های جبار - به‌ویژه بنی‌عباس - افرادی را برانگیخت و جوایزی برای پول‌پرستان و بردگان سران ستمکار تعیین کرد تا اخباری دروغ و تحریف‌شده ساختند تا چهره نازنین آن امام را مشوه سازند و بدنامی برای حضرتش به ارمغان آورند یا دشمن غدار او را پاک و نیکوکار جلوه دهند.

این اندیشه در خاطر من بود، و پس از آن که نخستین کتابم **الإمام علی (علیه السلام) من حبه عنوان الصحیفة (امام علی (علیه السلام) کسی که دوستی او سر لوحه کارنامه مؤمن است)** و کتاب دیگرم **فاطمة الزهراء بهجة قلب المصطفى (فاطمة زهراء شادمانی دل پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم))** به بازار علم و معرفت عرضه شد و در اختیار دوستان اهل بیت (علیهم السلام) قرار گرفت، آنان بارها اشتیاق نشان دادند که کتاب‌هایی دیگر در فضایل هر یک از خاندان عصمت (علیهم السلام) به همین سبک و سیاق بنویسم تا فایده آن دو کتاب تمام و معرفت به خاندان پاک پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) کامل گردد.

از این رو به تألیف این کتاب درباره امام مجتبی (علیه السلام) پرداختم که هم جامع فضایل و مناقب و بخشی از تاریخ زندگانی آن حضرت است و هم شبهاتی را که درباره آن شخصیت عظیم مطرح کرده‌اند، پاسخ داده است. گرچه من نخستین کسی نیستم که به دفع این گونه شبهات پرداخته است، زیرا پیش از من عالمان محقق کتاب‌های نفیس و سودمندی در این باره نوشته و نکته‌ای را فروگذار نکرده‌اند، ولی کار من جمع‌آوری سخنان و تحلیل‌های علمی آنان در یک مجموعه است همراه با تحلیل‌هایی دیگر و نقل روایاتی که در این زمینه به کار می‌آید، و اکنون بحمدالله و المنة کتاب حاضر آن گونه که در نظر بود جامه تحقیق پوشیده و همه آن مسائل و مباحث را دربرگرفته است.

سپاس

در پایان بر خود لازم می‌دانم که به زحمات فراوان نور چشم و میوه دلم، جوان فاضل و بانشاط در کسب علوم و معارف، و طلبه جدی و کوشا در اکتساب مکارم، شریک درسم در مباحث علمی، و مدیر محترم حوزه و کتابخانه ما «مکتب الحدیث» و مدرّس علوم دینی، جناب آقای سجاد سعادت‌خواه اشاره کنم که مشتاقانه در جمع‌آوری مطالب این کتاب و

جستجوی آنها در منابع و استنساخ آن مرا یاری داد، به گونه‌ای که چیزی از آن چه جمع‌آوری آن لازم بود از دست نرفت. شایان ذکر است که این جوان عزیز، گرچه هنوز در آغاز جوانی و شروع کار و تحقیق به سر می‌برد، اما در این زمینه بسیار محققانه عمل کرد و کمال آشنایی خود را به متون حدیثی به اثبات رساند. از خدا می‌خواهیم که این دوست خوب را زنده بدارد و این یار و مددکار شایسته را رشد و طراوات بخشد و در تأیید و توفیق او بیفزاید.

و نیز تشکر کنم از دوست محقق و فاضل مدقق جناب آقای حسین استادولی که زحمت فراوانی را در ترتیب و تبویب و تحقیق و تنظیم این کتاب و تطبیق آن با مصادر و منابع و شرح لغات و اصلاح سهوها و خطاها متحمل شد تا کتاب به این چهره زیبا و جمال چشم‌نواز و دل‌آرا در آمد. خداوند این هر دو بزرگوار را جزای خیر دهد و پاداش نیک عطا فرماید، و من نیز به سهم خود برای همیشه از آنان سپاسگزار خواهم بود.^۱

احمد رحمانی همدانی